

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۸

میوه گندیده، نتیجه صبر " عبدالله "

جمعه- ۰۶ میزان ۱۳۹۷- کابل: بعد از مسافرت "عبدالله عبدالمود" به امریکا و خانه نشستن "غنی احمدزی" تعدادی از هواداران "عبدالمود" که از برخورد های جبونانه و فرصت طلبانه و فرصت سوزانه او، خود را نزد دوست و دشمن زیر فشار احساس می کردند، نه بردند و نه آوردند، این مسافرت را به نحوی پیروزی "عبدالمود" بر "مغز متعفن" و نتیجه صبر ایوبی وی دانسته حتی به صورت رسمی اعلام داشتند که "صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد".

در تبصره امروز به اجازه شما خوانندگان گرامی می بینیم که قضیه از چه قرار است و آیا نخست صبری در میان بود و یا نه و در ثانی آن "بر شیرین" کجاست و چیست؟

۱- نخست از همه باید نوشت، عملکرد جبونانه و خاینانه "عبدالله عبدالمود" را با کلمه "صبر" توصیف کردن نمایانگر آن است که گوینده نه تنها معنای لغوی و حتا اصطلاحی "صبر" را نمی داند بلکه صداقت لازم را هم در بیان یک وضعیت معین و مشخص ندارد.

عملکرد "عبدالمود" در جریان ۴ سال ریاست اجرائیه، هیچ سنخیتی با صبر ندارد زیرا نخستین مشخصه صبر، عدم موافقت ذهنی با یک امری و تحمل اجباری آن امر می باشد. "عبدالمود" در تمام جنایات و خیانت هائی که "غنی احمدزی" و باندش در حق مردم و کشور انجام داده اند، به مثابه بخشی از "باندارگ"، در کنار آنها و در همسویی با آنها عمل نموده است. این همسویی اگر در همه چیز از انظار مخفی مانده باشد، زمانی که روند درگیری بین "معلم عطاء" و "غنی احمدزی" از پرده بیرون افتاد و "عطاء" بر همان مبنا رسماً و علناً از شکستادن دندان "عبدالمود" صحبت نمود، دیگر برای هیچ کسی پوشیده نماند که "عبدالله عبدالمود" به علاوه خیانت به خلق افغانستان و خیانت به کشور از طریق رکابداری اشغالگران، خاین به دوستان، متحدان و حامیان خود نیز می باشد.

برای این قماش افراد که خیانت به راه و رسم و زندگی و خیانت به دوست و رفیق را می خواهند "صبر" جلوه دهند، باید به صراحت گفت که خیانت به یک آرمان و یک پیوند یک چیز و داشتن صبر و تحمل مصایب جهت تحقق آن آرمان چیز دیگر است. بیش از این به خود زحمت ندهند تا به شعور مردم توهین نمایند، "عبدالله عبدالمود" یک خاین است نه یک صابر. او به همان مقداری که از جانب "غنی احمدزی" جیره انداخته می شد راضی و خوشحال بود، شیک می پوشید، وقتش را با سپورتهای اشرافی در کاخ سپیدار می گذراند، اگر کسی را از قماش تحفه های "رحیم

غلام بچه" برای گرمی آغوشش نمی یافت از پول ملت سری به هندوستان می زد. این همان چیزی بود که می خواست و "غنی احمدزی" با دست و دلبازی حاتم گونه، برایش مساعد ساخته بود.

۲- و اما به ارتباط میوه گندیده: این را می دانیم که از لحاظ رسمی چوکی و مقامی را که "عبدالمود" اشغال نموده، چیزی در حد صدراعظم، نخست وزیر و یا همان رئیس الوزراء می باشد که در تمام مسافرت های خارج از کشور حق دارد، جلوتر از سفراء و وزرای کابینه حرکت نماید. همین مقام ایجاب می نماید که وقتی قرار است با کسی ملاقات کند، به اساس عرف دیپلماتیک آن ملاقات می باید با صدر اعظم و حد اقل معاون وی صورت گیرد. در کشور هائی که صدراعظم ندارند، همان عرف ایجاب می نماید تا با معاون رئیس جمهور، یعنی فردی که بعد از رئیس جمهور بر کابینه ریاست دارد، ملاقات نماید.

حال ببینیم این لاشخور بی شخصیت می رود با چه کسی ملاقات می کند، با یکی از معاونین وزارت خارجه امریکا در امور آسیا. خانمی که مطبوعات با نامش آشنا نیست.

هرگاه این لاشخور باقیمانده از سفره "رحیم غلام بچه"، شخصیت و عزت نفس می داشت و به خود و به مقامش حرمتی قایل می بود، که نداشت و نبود، در همان آغاز وقتی "ترمپ" در سخنرانی اش نامی از مستعمره مقهورش نبرده بود، می باید به خانه بر می گشت و منتظر تحقیر دوم نمی نشست.

هرگاه افغانستان یک کشور مستقل و صاحب حاکمیت ملی خود می بود که نیست، هرگاه افغانستان یک پارلمان مردمی و جوابگو می داشت که ندارد، هرگاه اعضای پارلمان از شرافت و عزت نفس برخوردار می بودند که نیستند، می باید "عبدالمود" را به غرض استجواب به پارلمان می خواستند و وی را به خاطر بی احترامی به افغانستان، به مانند همان میوه گندیده ای که با خود آورده بود به زباله دانی می فرستادند.

"غنی احمدزی" می دانست که باز هم تحقیر خواهد شد، لذا نرفت و یا برای رفتن جور نیامد، مگر نلتی را که "عبدالمود" قبول نمود، نشان داد که در افغانستان می تواند پست تر و بی ابرو تر از "غنی احمدزی" هم پیدا شود و او دم نقد کسی نیست به غیر از "عبدالله عبدالمود"

سرکها ما را می طلبد!!